

دکتر دانیل کی. دارکو، انجیل لوقا، جلسه ۳۱، گفتمان آخرالزمانی در اورشلیم، لوقا ۲۱: ۵-۳۸

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دانیل کی. دارکو هستم در تدریس در مورد انجیل لوقا. این جلسه ۳۱، گفتمان آخرالزمانی در اورشلیم، لوقا ۲۱: ۵-۳۸ است. به مجموعه سخنرانی‌های آموزش الکترونیکی کتاب مقدس

. در مورد انجیل لوقا خوش آمدید [BeL]

در یک سخنرانی قبلی، ما به عیسی مسیح پرداختیم. عیسی مسیح در اورشلیم بود و این گفتگو را با مقامات داشت. همانطور که ممکن است از آن سخنرانی خاص به یاد داشته باشید، از او چندین سؤال پرسیده شد و او پاسخ‌هایی ارائه داد تا آنها نتوانند او را متهم کنند.

سوالاتی مانند اینکه چه کسی و با چه مجوزی به شما این اختیار را داده است که بتوانید خدمت خود را انجام دهید؟ سوالاتی در مورد اینکه آیا باید به قیصر مالیات بدهیم یا نه؟ سوالاتی مانند رستاخیز: اگر هفت برادر با یک زن که برادر اول با او ازدواج می‌کند، بمانند، آن زن در روز رستاخیز همسر چه کسی خواهد بود؟ سپس، عیسی در ادامه توضیح می‌دهد که رستاخیز چگونه خواهد بود و با هشدار دادن به شاگردانش در مورد هرگونه تمایل به تقلید از سبک زندگی کاتبان، سخنرانی خود را به پایان می‌رساند. در آنجا، در آن جلسه خاص، عیسی اشاره می‌کند که کاتبان دوست دارند بیوه‌ها را بلعند. در پایان آن سخنرانی، من اشاره کردم که عیسی قصد داشت از اشاره به بیوه‌ها استفاده کند، و لوقا قصد داشت از اشاره به بیوه‌ها به عنوان مقدمه‌ای برای ورود به موضوع دیگری که شامل یک بیوه در معبد بود، استفاده کند.

بنابراین، به یاد داشته باشید، از همان زمانی که عیسی پیروزمندانه وارد اورشلیم شد، قرار بود خدمت او تعلیم خدمت در معبد باشد. بنابراین، عیسی هنوز در معبد است و در آنجا مشاهدات خود را انجام خواهد داد. می‌خوانم ESV داد. و بیابید از اینجا در فصل ۲۱، آیات ۱ تا ۴ را بخوانیم. و من از

عیسی به بالا نگاه کرد و ثروتمندانی را دید که هدایای خود را در صندوق می‌اندازند. و بیوه‌زن فقیری را دید که سکه‌های کوچک مسی در صندوق می‌اندازد. عیسی گفت: «به راستی به شما می‌گویم، این بیوه‌زن فقیر «بیش از همه آنها هدیه داده است»

همه آنها از وفور نعمت خود کمک کردند، اما او، از فقر خود، هر آنچه را که برای امرار معاش داشت، اهدا کرد. بنابراین، آن اشاره خاص به سوءاستفاده کاتبان از بیوه زنان، مسیری را فراهم می‌کند که در آن عیسی چیزی را در این تمثیل مشاهده می‌کند. حال، در این جلسه خاص، باید تصور کرد که عیسی در اورشلیم با کسی مصاحبه نمی‌کند و کسی از او سؤالات مستقیم نمی‌پرسد، بلکه می‌بیند که مردم چه اتفاقی می‌افتد، زیرا پول خود را در صندوق صدقات می‌اندازند و شروع به مشاهده واقعی آنچه اتفاق می‌افتد، می‌کند.

او شروع به مشاهده کرد که وقتی برخی از ثروتمندان وارد می‌شدند، پول بیشتری می‌بخشیدند. او، که عیسی بود، به نظر می‌رسید که می‌داند آنها چه دارند و انگیزه‌هایشان برای انجام این کار چیست. او توانست تشخیص دهد که ثروتمندان مقداری از آنچه داشتند را می‌بخشیدند.

آن زن تمام دارایی‌اش را می‌داد. یک قدم به عقب بردارید و به آنچه لوقا در مورد عیسی و تعامل او با ثروتمندان به ما گفته است فکر کنید. با علم به اینکه لوقا به تئوفیلوس، اشراف‌زاده‌ای که او را سر تئوفیلوس می‌نامید، می‌نویسد، شخصیتی بسیار بسیار برجسته که به احتمال زیاد ثروتی دارد.

لوقا در انجیل خود پیوسته به خواننده یادآوری می‌کند که پادشاهی خدا شامل افرادی می‌شود که ثروتمند فقیر، بیمار، و به حاشیه رانده شده‌اند، و همه افرادی که به تصویر و شباهت خدا آفریده شده‌اند، در پادشاهی خدا سهم هستند. در اینجا، در این روایت، بیوه زن به الگویی برای شاگردی خوب تبدیل می‌شود در واقع، عیسی در معبد با مشاهده این موضوع می‌گوید که لوقا از آنچه ثروتمندان انجام می‌دهند و لوقا از نحوه انجام بیوه زن فقیر.

لوقا در اینجا کار قابل توجهی انجام می‌دهد. او از آن زن به عنوان بیوه‌ای یاد می‌کند که با توجه به جایگاه اجتماعی‌اش در آن زمان، احتمالاً فقیر بوده است. امرار معاش یک زن به مرد یا شوهر زندگی‌اش وابسته است.

او شوهرش را از دست داده بود. لوک بیشتر توضیح می‌دهد که او فقیر است. او هیچ وسیله‌ای ندارد.

بنابراین، او دو مشکل داشت. او زنی نیازمند یا، اگر بخواهیم بگوییم، کم و بیش درمانده از نظر منابع مالی است. این فقر همچنین باید علاقه لوک به فقرا را به ما یادآوری کند.

لوقا به ما یادآوری می‌کند که خداوند به فقرا روزی می‌دهد و خداوند به فقرا علاقه دارد. در این روایت، لوقا سعی ندارد به ما القا کند که ثروتمندان با دادن مقداری از دارایی خود به ما، کار بدی انجام می‌دهند. نه، نکته اینجا این نیست.

نکته این است که آن بیوه باید از نظر سخاوت الگو باشد. او می‌توانست بیشتر ببخشد. او به هیچ وجه پیشنهاد نمی‌کند که وقتی به سمت سبد نذورات می‌روید، باید تمام دارایی خود را بدهید.

نه، او می‌گوید که این زن خاص الگوی خوبی از شاگردی را نشان می‌دهد. بنابراین، تأکید باید از نظر تناسب، دیده شود. برای مثال، اگر یک میلیونر به سبد هدایا بپاید و ۱۰۰۰۰۰ دلار آمریکا بدهد، از نظر ارزش پولی، پول زیادی خواهد بود.

اگر فرد فقیری به سبد نذورات مراجعه می‌کرد و تمام دارایی‌اش از خانه و در جیبش در آن زمان ۱۰ دلار بود و آن ۱۰ دلار را می‌داد، از نظر ارزش پولی، ارزش اسمی پایین‌تری از نظر واحد پول داشت. عیسی ارزش، معادل ۱۰۰۰۰۰ دلاری را به عنوان ارزش پولی بالاتر نفی نمی‌کرد. اما او می‌گفت که از نظر سخاوت، سخاوت به نسبتی که فرد می‌بخشد و نگرشی که در آن می‌بخشد، بستگی دارد.

در واقع، انگیزه و نگرش همان چیزی است که خداوند هدایت می‌کند: اینکه چقدر سخاوتمند می‌شویم یا نمی‌شویم. انگیزه و نگرش همان چیزی است که باعث می‌شود فرد برای پس گرفتن یا برای رها کردن ببخشد، در اینجا، زن نشان داده می‌شود که تمام آنچه را که دارد به سبد نذورات می‌دهد، و عیسی گفت انگیزه، نگرش و سخاوت او از نظر تناسب از ثروتمندان فراتر می‌رود.

این بدان معنا نیست که اگر مثلاً او ۱۰ دلار بگذارد، ناگهان ۱۰ دلارش بیشتر از مثلاً کسی می‌شود که ۱۰۰۰۰۰ دلار می‌گذارد. نه، نکته این نیست. نکته این است که به طور متناسب، او همه چیز را داده بود ۱۰۰۰۰۰ و برخی ممکن است ۵ درصد، ۲ درصد، ۳ درصد، ۲ درصد، هر چه که اسمش را بگذارید، داده باشند.

تمام این اتفاقات در معبد، یک موقعیت دیگر را نشان می‌دهد که در آن عیسی در واقع تمایل خود را برای دیدن این نشان می‌دهد که ما می‌توانیم، حتی اگر از خودمان بترسیم، از کسانی که به حاشیه رانده شده‌اند و کسانی که در جامعه از امکانات کمتری برخوردارند، بیاموزیم. این دوباره به این معنی نیست که ثروتمندان

جایی در پادشاهی خدا نخواهند داشت، یا به هیچ وجه به این معنی نیست که لوقا می‌گوید ثروتمندان نمی‌توانند پیروان واقعی مسیح باشند. نه، شاید بهتر باشد قبل از ادامه بحث آخرالزمانی در باب ۲۱، تعالیم لوقا در مورد ثروت و فقر را خلاصه کنم. گفتمان لوقا بیشتر در مورد فقر و ثروت است.

نکته‌ی لوقا این است که ثروتمندان، اگر به شدت به ثروت خود وابسته باشند، یافتن جایگاه خود در پادشاهی خدا، جایی که ایثار، سخاوت و خدمت امری عادی است، دشوار خواهد بود. اما ثروتمندان می‌توانند در پادشاهی خدا باشند. به عبارت دیگر، او حتی از مثال عیسی استفاده کرد که اگر عبور شتر از سوراخ سوزن غیرممکن است، زیرا برای خدا، این امر ممکن است.

این بدان معنا نیست که ثروتمندان می‌توانند از آن محروم باشند. نه، عیسی از این استفاده می‌کند، لوقا از این استفاده می‌کند تا تئوفیلوس را به عنوان یک فرد ثروتمند، یک چهره بانفوذ، به چالش بکشد تا ببیند چگونه می‌تواند جایگاه خود را در خدمت به پادشاهی قرار دهد. از سوی دیگر، در مورد فقرا، عیسی به هیچ وجه نمی‌گوید که فقر به معنای تقوا است.

نه، فقر تقوا نیست. اما فقرا، افراد حاشیه‌نشین که طرد شده‌ی اجتماعی هستند، در لوقا به عنوان کسانی نشان داده می‌شوند که خدا آنها را می‌پذیرد و خدا آنها را در آغوش می‌گیرد، و گاهی اوقات، فقرا قادر به نشان دادن ویژگی‌های خدمت و سخاوتی هستند که لوقا در خدمت عیسی به آنها اشاره می‌کند که قابل توجه هستند. من نمی‌خواهم خیلی افراط کنم، همانطور که یک بار در یکی از جلسات انجمن‌مان با یکی از محققان دیگر در میان گذاشتم، در حالی که از او خواستم بگوید وقتی آثار او را در مورد فقر می‌خوانم، احساس می‌کنم که او فکر می‌کند الهیات فقر، زهدگرایانه است.

که او در پاسخ به من گفت، خب، گاهی اوقات این چیزی است که فرد به آن واکنش نشان می‌دهد، اینطور نیست؟ این درست است. با این حال، نکته‌ی مورد نظر لوقا این نیست. لوقا، پس از اینکه به وضوح بپوه را به عنوان الگوی برای بخشش برجسته کرد، اکنون مستقیماً به بقیه‌ی باب ۲۱ می‌رود تا برخی از پیش‌بینی‌هایی را که عیسی در پایان خدمت خود انجام خواهد داد، نشان دهد.

در اینجا، تقریباً یک مونولوگ است زیرا ما عیسی را در حال تعامل با مردم نمی‌بینیم، اما او یکی پس از دیگری در مورد عذاب و تاریکی روزهای آینده صحبت خواهد کرد. توجه داشته باشید که برخی از چیزهایی که او در مورد اورشلیم خواهد گفت، قبلاً محقق شده‌اند. این کتاب در دهه ۸۰ نوشته شده است و اورشلیم در دهه ۷۰ نابود شد.

بنابراین، بیا به فصل ۲۱، آیه ۵ برویم و نگاهی به برخی از پیش‌بینی‌هایی که عیسی خواهد کرد، بیندازیم. ابتدا، به پیش‌بینی‌های معبد از آیات ۵ تا ۸ نگاه می‌کنیم و من خواندم. و در حالی که برخی در مورد معبد صحبت می‌کردند که چگونه با سنگ‌های گرانبها و هدایا تزئین شده است، او گفت، در مورد این چیزهایی که می‌بینید، روزهایی خواهد آمد که در اینجا سنگی بر روی سنگی دیگر باقی نخواهد ماند که به زمین انداخته نشود.

و از او پرسیدند، ای استاد، این وقایع چه زمانی رخ خواهد داد؟ و نشانه نزدیک شدن این وقایع چیست؟ و او گفت، مراقب باشید که همراه نشوید، زیرا بسیاری به نام من خواهند آمد و خواهند گفت که من او هستم و زمان موعود نزدیک است. از دنبال آنها نروید. از آیه ۵ متوجه می‌شوید که در حال تماشا است؛ مردم آنچه را که در معبد می‌گذرد تماشا می‌کردند و این همان چیزی است که باعث این امر خواهد شد.

همانطور که روی صفحه می‌بینید، یکی از کارهایی که هیروودیس کبیر در طول سلطنت خود انجام داد، نوسازی معبد بود. او کار بسیار بسیار عظیمی انجام داد، و ستون‌های طلائی و ستون‌های زیبا، سنگ‌های

سفید که همگی در جای خود قرار گرفته‌اند را می‌بینید، و معبد بسیار بسیار زیبا بود. و شکی نیست که لوقا به ما القا می‌کند که مردم از آنچه در معبد می‌گذرد، تحسین می‌کردند.

در واقع، مورخ یهودی، یوسفوس، که زمانی در سرزمین مادری خود ژنرال بود و بیشتر عمر خود را در روم گذراند، در مورد معبد به شرح زیر می‌نویسد. یوسفوس به نقل از یوسفوس می‌نویسد، در پانزدهمین سال سلطنت خود، هیروودیس معبد را بازسازی کرد و قطعه زمینی را در اطراف آن با دیواری احاطه کرد که این زمین دو برابر بزرگتر از قبل بود. دهانه‌هایی که او بر روی آن گذاشت نیز بسیار بزرگ بودند و ثروت اطراف آن غیرقابل توصیف بود، نشانه‌ای از آن را در صومعه‌های بزرگی که در اطراف معبد و ارگی که در ضلع شمالی آن قرار داشت، ساخته شده است، می‌بینید.

صومعه‌ها را از پایه ساخت، اما ارگ را با هزینه‌ای هنگفت تعمیر کرد. چیزی جز یک کاخ سلطنتی نبود که آن را آنتونیوم نامید، به نام آنتونی. حال، اگر به اینجا برگردید و آنچه را که به شما نشان دادم ببینید، معبد هیروودیس ۳۶۰،۰۰۰ فوت مربع و به اندازه نه زمین فوتبال در ایالات متحده اندازه‌گیری شده است.

هیروودیس کار عظیمی انجام داد، و آنچه در آموزه‌های عیسی در اینجا می‌بینیم این است که مردم آنچه را که در حال وقوع است تحسین می‌کنند. تحسین آنها از معبد همان چیزی است که پیش‌بینی آینده او را برمی‌انگیزد. همانطور که در سخنرانی قبلی گفتم، عیسی ویرانی معبد اورشلیم را در سال ۷۰ میلادی پیش‌بینی کرد، که ارتش روم به رهبری تیتوس قادر به انجام آن بود.

عیسی در آن سوی معبد نیز شروع به صحبت در مورد کاری که انجام می‌دهد و کسانی که پس از او می‌آیند می‌کند. تاکنون او زمان زیادی را صرف تدریس در معبد مانند یک معلم، یک پیامبر یا یک فیلسوف کرده است. اما اکنون به حضار در معبد اعلام می‌کند که باید مراقب کسانی باشند که می‌آیند تا بگویند من او هستم، یعنی مسیح.

کسانی که ادعای پیامبری دارند باید مراقب آن معلمان دروغین باشند و از آنها پیروی نکنند. او به سرعت در ادامه انواع دیگری از پیشگویی‌ها و لزوم آمادگی را اعلام می‌کند. از آیات ۹ تا ۱۱، وقتی از جنگ‌ها و آشوب‌ها می‌شنوید، وحشت نکنید، زیرا این اتفاقات ابتدا باید رخ دهند.

اما پایان کار فوراً نخواهد بود. سپس به ایشان گفت: «قومی علیه قومی و حکومتی علیه حکومتی قیام خواهند کرد. زلزله‌های بزرگی رخ خواهد داد و در جاهای مختلف، قحطی و وبا و وحشت و نشانه‌های بزرگی از آسمان ظاهر خواهد شد.»

در واقع، عیسی به حضار می‌گوید که باید آگاه باشند که پایان جهان به این آسانی و بزرگی نخواهد بود. مردم وحشت خواهند کرد و در ترس و وحشت خواهند بود، زیرا جنگ‌ها و انواع انقلاب‌ها، قیام ملت‌ها علیه ملت‌های دیگر و فجایع زمینی مانند زلزله، قحطی و طاعون رخ خواهد داد. تقریباً مثل این است که قرار است عذاب الهی فرا برسد.

باب ۲۱ نیز چنین است. همانطور که عیسی آینده را پیشگویی کرد، به شاگردان یادآوری کرد که آنها همچنان باید به یاد داشته باشند که آزار و اذیت وجود خواهد داشت. او گفت که قبل از همه اینها، آنها باید بدانند که پایان هنوز فرا نرسیده است.

زیرا شاگردان باید بدانند که مورد آزار و اذیت قرار خواهند گرفت و شما را به کنیسه‌ها و زندان‌ها خواهند سپرد و شما را به خاطر نام من نزد پادشاهان و والیان خواهند برد. آیه ۱۳، این فرصتی برای شما خواهد بود تا شهادت دهید.

پس در دل‌های خود مصمم باشید که از پیش در مورد چگونگی پاسخ دادن تأمل نکنید، زیرا من به شما زبانی و حکمتی خواهم داد که هیچ یک از دشمنانتان یارای مقاومت یا انکار آن را نخواهند داشت. شما را حتی والدین و برادران و خویشاوندان و دوستانتان تسلیم خواهند کرد و برخی از شما به قتل خواهید رسید. به خاطر نام من، همه از شما متنفر خواهند شد، اما موی از سر شما کم نخواهد شد.

با استقامت خود، زندگی خود را به دست خواهید آورد. عیسی همچنین پیش‌بینی کرد که برخی از چیزهایی که در کتاب اعمال رسولان خواهیم دید، باعث آزار و اذیت شاگردان در روزهای آینده خواهد شد. اکنون در اواخر انجیل لوقا و در اواخر مصلوب شدن خود عیسی، او سعی کرد آنها را از قبل آماده کند و پیش‌بینی کرد که ممکن است حتی در برابر برخی از رهبران بت‌پرست قرار گیرند، اما آنها نباید نگران این باشند که چه بگویند.

او به آنها زبان و حکمتی را که گفته بود، خواهد بخشید و این محافظت بر آنها خواهد بود، اما آنها همچنین باید آگاه باشند که برخی برای زندگی خود خواهند مرد. همانطور که خواهیم دانست، برخی از حواریون به شهادت خواهند رسید. آنها همانطور که عیسی پیش‌بینی کرده بود، خواهند مرد. آزار و اذیت بخشی از کاری خواهد بود که آنها انجام خواهند داد.

اما یکی از نکات قابل توجه در اینجا این است که چگونه عیسی به آنها یادآوری می‌کند که حتی افرادی از خانواده‌شان نیز به آنها خیانت خواهند کرد. آنها باید از این موضوع آگاه باشند و در عین حال به آنها اطمینان دهند که نگران نباشند زیرا او در هر شرایطی آنچه را که نیاز دارند تأمین خواهد کرد، حتی اگر به آنها امید واهی ندهد که برخی همچنان هلاک خواهند شد. عیسی در ادامه می‌گوید که اگر تخریب معبد کافی نیست، گویی فاجعه کیهانی کافی نخواهد بود، و گویی پیش‌بینی‌های آزار و اذیت برای شاگردان کافی نخواهد بود، باید بدانند که اورشلیم تحت داوری سختی قرار خواهد گرفت.

لوقا از قول عیسی می‌نویسد، اما وقتی اورشلیم را در محاصره لشکرها می‌بینید، بدانید که راه حل نزدیک شده است. پس بدانید که راه حل نزدیک شده است. کسانی که در یهودیه هستند به کوه‌ها فرار کنند، کسانی که در شهر هستند از شهر خارج شوند و کسانی که خارج از کشور هستند، برای این روزهای انتقام وارد آن نشوند تا هر آنچه نوشته شده است، به حقیقت بپیوندد.

وای بر زنان باردار و شیرده در آن روزها، زیرا پریشانی عظیمی بر زمین و خشمی عظیم بر مردم نازل خواهد شد. آنها با شمشیر کشته خواهند شد و در میان همه ملت‌ها به اسارت برده خواهند شد و اورشلیم تا زمانی که زمان غیریهودیان فرا برسد، زیر پای غیریهودیان پایمال خواهد شد. اساساً، عیسی در واقع اشاره می‌کند که پایان شهر نزدیک است و شهر محاصره خواهد شد.

ساکنان می‌توانند به تپه‌ها یا کوه‌ها پناه ببرند. وای بر زنانی که باردار و شیرده هستند، زیرا آن زمان بسیار سخت خواهد بود. مردم سقوط خواهند کرد. برخی با شمشیر کشته می‌شوند و برخی اسیر می‌شوند و غیریهودیان مسئول قرار دادن ملت یا شهر در این شرایط خواهند بود.

در لوقا ۲۱، عیسی در واقع وقایع ۷۰ میلادی یا ۷۰ میلادی را پیش‌بینی می‌کند، زمانی که رومی‌ها می‌آیند و به اورشلیم ضربه می‌زنند و آن شهر مهم، معبد، مکانی که عیسی اکنون برای تعلیم در آن ایستاده است را به ویرانه‌ای تبدیل می‌کنند. او پیش‌بینی می‌کند که این اتفاق خواهد افتاد، و کاری که لوقا در نوشته‌هایش انجام می‌دهد این است که مخاطبانش را متوجه کند که عیسی پیامبری بود که این را می‌دانست و قبل از وقوع آنها، آن را پیش‌بینی کرده بود. لوقا ادامه می‌دهد، و شاید قبل از اینکه بیشتر در مورد آمدن پسر انسان بخوانم، اجازه دهید آنچه لوقا تیموتی جانسون در مورد وقایع می‌گوید را بیان کنم.

لوک تیموتی جانسون در تفسیر خود بر انجیل لوقا می‌گوید، لوقا قطعاً در توصیف خود محتاط است، به طوری که نمی‌توان پذیرفت که شهر قبلاً سقوط کرده بود. با این حال، برای اکثر خوانندگان لوقا، این واقعیت که این وقایع به گونه‌ای مطابق با سخنان عیسی رخ داده است، باید تأثیر قدرتمندی داشته باشد در وهله اول، به طور واضح نشان داد که چگونه رد پیامبر منجر به رد ردکنندگان شد و بنابراین ادعای نبوت عیسی را تأیید کرد.

در وهله دوم، این امر به پیشگویی‌های مربوط به آمدن پسر انسان وزن بیشتری بخشید، و تا آنجا که به آن پیشگویی آمدن پسر انسان مربوط می‌شود، عیسی می‌گوید که در خورشید و ماه و ستارگان نشانه‌هایی وجود خواهد داشت و بر روی زمین، اضطراب ملت‌ها به دلیل خروش دریا و امواج، در سردرگمی فرو خواهد رفت. مردم از ترس و پیشگویی آنچه در جهان در حال وقوع است، ضعف خواهند کرد، زیرا قدرت‌های آسمان متزلزل خواهند شد و سپس پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم در ابری می‌آید اکنون، هنگامی که این اتفاقات شروع به رخ دادن می‌کنند، راست بایستید و سرهای خود را بالا بگیرید زیرا رستگاری شما نزدیک است.

در مورد آمدن پسر انسان، لوقا در واقع این را می‌گوید: نشانه‌هایی در منظومه شمسی وجود خواهد داشت که مردم می‌توانند مشاهده کنند و این خود باعث اضطراب و ترس خواهد شد که با فاجعه کیهانی که خواهند دید مرتبط است. آنها باید بدانند که پسر انسان خواهد آمد، و پسر انسان با قدرت و جلال عظیم خواهد آمد. عیسی به آنها اطمینان می‌دهد که پسر انسان خواهد آمد و پسر انسان در کنار آنها خواهد بود.

بنابراین، او شاگردان را به هوشیاری فرا می‌خواند. آنها باید هوشیار باشند زیرا رستگاری، نجات، رهایی و آزادی آنها اینجاست. خداوند قوم خود را نجات خواهد داد.

و سپس در پایان یک مثل خیلی خیلی کلی ارائه می‌دهد. او مثل را گفت، به درخت انجیر و همه درختان نگاه کنید. به محض اینکه بیرون می‌آیند و می‌روند، خودتان را می‌بینید و می‌دانید که تابستان از قبل نزدیک است.

به همین ترتیب، وقتی می‌بینید که این چیزها در حال وقوع است، بدانید که پادشاهی خدا نزدیک است. به راستی، به شما می‌گویم، این نسل تا همه چیز اتفاق نیفتد، نخواهد گذشت. آسمان و زمین از بین نخواهند رفت.

آسمان و زمین از بین خواهند رفت، اما سخنان من هرگز از بین نخواهند رفت. حال متوجه شده‌اید که این مثل درختان انجیر در اینجا بسیار ساده است. در واقع، عیسی می‌گوید که مشاهده‌ی چگونگی تغییر درختان با توجه به آب و هوا امری طبیعی است.

تنها با درس‌های مشاهده، می‌توان فصل‌ها و زمان‌ها را شناخت. مشاهده‌ی چگونگی تغییر فصل‌ها و زمان‌ها امری طبیعی است. وقتی آنها این نشانه‌ها را در حال آشکار شدن می‌بینند، باید آگاه باشند که پادشاهی خدا نزدیک است.

اما سپس او جمله‌ی عمیقی بیان می‌کند. عیسی اشاره می‌کند که پادشاهی خدا قبل از مرگ این نسل به وقوع خواهد پیوست، که خود این موضوع سوالاتی را در مورد افرادی که می‌پرسند «این نسل به چه چیزی اشاره دارد» ایجاد می‌کند. این نسل یک موضوع بحث‌برانگیز است زیرا اگر ماهیت این نسل را درک کنیم، ممکن است بپرسیم که آیا عیسی انتظار داشت که پایان زودتر فرا برسد؟ این وقایع چه زمانی در حال وقوع هستند؟ این وقایع برای چه کسانی صدق می‌کنند؟ محققان در مورد دقیق یا بهتر است بگویم، دقیق بودن آنچه این نسل به آن اشاره دارد، حدس و گمان می‌زنند. اما چهار قرائت احتمالی ارائه شده است.

یکی از این برداشتها می‌گوید که این نسل به معاصران خود عیسی اشاره دارد. من فکر می‌کنم فیتزمایر در تشریح آنها و تلاش برای توضیح بیشتر در مورد اینکه ما چقدر سعی در ارائه حدس و گمان یا گمانه‌زنی داشته‌ایم، کار خوبی انجام می‌دهد. دیدگاه دوم می‌گوید که این نسل به قوم یهود و هر کجا که باشند اشاره دارد.

دیدگاه سوم می‌گوید که این نسل به بشریت به طور کلی اشاره دارد، که تا حد زیادی ضعیف‌ترین دیدگاه است زیرا این نسل به مردم اشاره خواهد کرد. ما در مورد این نسل از نظر بازه زمانی صحبت می‌کنیم. بنابراین، نمی‌توانید فقط بگویید که این نسل به همه مردم اشاره دارد و آنها در آنجا زندگی می‌کنند.

این دیدگاه بسیار ضعیفی است. برخی دیگر در مورد اینکه این موضوع را به گروه خاصی از مردم ربط دهند و گفته عیسی را به همان شکل فعلی‌اش رها کنند و بگویند شاید بتوانیم این نسل را نسلی بدانیم که نشانه‌هایی را که قبلاً پیش‌بینی شده است، خواهد دید. اگر شما به نسلی تعلق دارید که شروع به دیدن این نشانه‌ها می‌کند، پس عیسی گفت که باید بدانید که در زمان شما است که این اتفاقات احتمالاً رخ خواهند داد.

از این رو، دعوت به هوشیاری. دعوت به هوشیاری. عیسی هر بار که عذاب را برای شاگردانش اعلام می‌کند، سعی می‌کند مانند یک پدر بگوید، ببینید، اوضاع خیلی خیلی بد خواهد شد، اما بچه‌ها می‌آیند، می‌آیند، می‌آیند، بگذارید چیزی به شما بگویم. همه چیز درست خواهد شد.

بنابراین، عیسی آنها را فرا می‌خواند که هوشیار باشند و در مورد آنچه خدا انجام می‌دهد مطمئن باشند و غافلگیر نشوند. او می‌گوید ۳۴ تا ۳۸، اما مراقب خودتان باشید. مبادا دل‌هایتان با هرزگی و مستی و نگرانی‌های این زندگی سنگین شود.

آن روز ناگهان مانند دایمی بر شما خواهد آمد، زیرا بر همه ساکنان روی زمین خواهد آمد، اما همیشه بیدار باشید و دعا کنید تا قدرت داشته باشید تا از همه این چیزهایی که قرار است رخ دهد، جان سالم به در ببرید و در مقابل پسر انسان بایستید. و با این گفته، آنها را به آمادگی و هوشیاری فرا می‌خوانم. او در ادامه، آیه می‌گوید، لوقا می‌نویسد، او هر روز در معبد تعلیم می‌داد و شب‌ها برای اقامت در کوه زیتون بیرون، ۳۷ می‌رفت و صبح زود، همه مردم برای شنیدن سخنان او به معبد می‌آمدند.

پنج نکته را سریع مطرح می‌کنم تا بحث یا سخنرانی فصل ۲۱ را جمع‌بندی کنم. عیسی داشت پیش‌بینی‌هایی را در مورد وقایع آینده ارائه می‌داد تا شاگردان و حضار در معبد آماده باشند. او تأکید کرد که آنها باید هوشیار باشند. زبانی که لوقا استفاده می‌کند و آن را بخشی از هوشیار بودن می‌داند، هوشیاری، عقل سلیم، روشن‌بینی است، مانند یک فرد مست یا کسی که مست نیست، نبودن.

هوشیار باش. و اگر می‌خواهی هوشیار باشی، سعی کن در بیدار ماندن نیز هوشیار باشی. بیدار بمان تا بتوانی قدرت فرار را به دست آوری و از خدا بخواهی که به تو فیض ایستادن عطا کند.

لوقا در ادامه به ما می‌گوید که خدمت عیسی در معبد یک اتفاق یک روزه نبود. او این کار را می‌کرد؛ به زیتون‌ها برمی‌گشت و صبح برمی‌گشت و مردم می‌آمدند و مدتی را با او می‌گذرانند. عیسی پیشگویی‌های بسیار بسیار وحشتناکی در مورد پایان چیزهایی که قرار است بیاید، داده است.

به اورشلیم، امور کیهانی و همه این چیزها اشاره می‌کند. اما می‌دانید کاری که او در ۲۱ انجام نمی‌دهد این است که دوباره به شاگردان یادآوری کند که شور و شوق او نزدیک است. وقایع تازه در حال پایان یافتن هستند.

در واقع، خدمت تعلیم و تربیت در حال تسخیر [کلیسا] است. آنها باید شروع به سازماندهی خود برای جشن فصح کنند. و چیزهایی که امروز می‌شناسیم و از آنها به عنوان هفته مصائب مسیح یاد می‌کنیم، شروع به آشکار شدن خواهند کرد.

در پایان خدمت معبد، عیسی حزار را کاملاً آگاه کرد که آخرالزمان، زمان نابودی خواهد بود. شاگردان او، نباید غافلگیر شوند، بلکه خدا در کنار آنها خواهد بود. آنها باید در آزار و اذیت، در رنج و در دوران سخت، وظیفه خود را برای هوشیار بودن انجام دهند.

هوشیار بودن، بیدار ماندن، و در صورت لزوم قدرت گرفتن برای فرار. چون پادشاهی خدا می‌آید، حکومت خدا می‌آید. اما حکومت خدا به این معنی نیست که شاگردان در دنیای بشریت رنج نخواهند برد.

در کیهانی که با گناه و نابودی عجین شده است. شاید از خود پرسید که آیا ما در آخرالزمان هستیم یا نه؟ نمی‌دانم. اما چیزی که از لوقا ۲۱ می‌دانم این است که عیسی می‌گوید، آماده باشید

و من باید آماده باشم. و در حالی که او این را تعلیم می‌داد و لوقا این را می‌نوشت، چیزی که لوقا به ما نمی‌گوید این است که عیسی نیز هست و نزدیک است. امروز، آیا می‌توانید شما را تشویق کنم که در مورد لوقا ۲۱ فکر کنید، به تمام پیش‌بینی‌هایی که عیسی داده فکر کنید و از خود پرسید، آیا من آماده‌ام؟ گاهی اوقات از من پرسیده می‌شود که آخرت‌شناسی شما چیست؟ و من دوست دارم بگویم آخرت‌شناسی من این است.

آخرت‌شناسی شخصی من این است که روزی خواهیم مرد. آخرت‌شناسی کیهانی من این است که اگر قبل از آمدن مسیح نمی‌میرم، پایان کار خواهد بود. اما موضوع من چیست؟ این صلیب موضوع است.

و امیدوارم شما هم همین موضع را اتخاذ کنید. موضع من این است که باید برای این واقعیت آماده باشم که پایان زندگی من در آخرت‌شناسی شخصی می‌تواند امروز باشد. یا آمدن مسیح می‌تواند امروز باشد.

بنابراین، می‌توانم بپرسم، اگر پسر انسان امروز بیاید، آیا آماده‌اید؟ یا اگر پایان زندگی شما امروز باشد؟ من کنترلی بر آینده ندارم. زندگی و آینده‌ام را به خدا می‌سپارم، زیرا او که آینده را در دست دارد، کسی است که تعیین می‌کند اوضاع چگونه پیش برود.

این اعتماد همچنین مستلزم آن است که من همیشه هوشیار و مراقب باشم و طوری رفتار کنم که گویی هر لحظه، پایان فرا خواهد رسید. باشد که خداوند همچنان به من و شما الهام بخشد، همچنان که در مورد این پیشگویی‌های عیسی و پایان زندگی‌مان یا پایان جهانی که می‌شناسیم فکر می‌کنیم. و من دعا می‌کنم که شما این تجربه یادگیری را با ما ادامه دهید، همانطور که به مرحله بعدی می‌رسیم و دوران سخت عیسی را پشت سر می‌گذاریم.

کسی که در چند سخنرانی گذشته در اورشلیم چیزهای زیادی به ما آموخته است. قرار است لحظات بسیار بسیار دردناکی را پشت سر بگذارد. و شما می‌پرسید، چرا باید این کار را بکنند؟ و من پاسخ می‌دادم، او این کار را برای شما و برای من انجام می‌دهد.

متشکرم.

من دکتر دنیل کی. دارکو هستم و در حال تدریس در مورد انجیل لوقا. این جلسه ۳۱، گفتمان آخرالزمانی در

اورشليم، لوقا ۲۱: ۵-۳۸ است